سارا باقری
وکیل و فعال حقوق کودک

# مسئله بر سر اجرای قوانین حمایت از کودکان است

ریشه بسیاری از آسیب‌های اجتماعی را باید در فرهنگ غالب در آن جامعه جست‌وجو کنیم و باید گفت ریشه بسیاری از خشونت‌ها نسبت به پسران و مردان هم یک نگاه کلی در جامعه است. این نگاه که اگر پسران در هر سن‌وسال و هر محیطی مورد تعرض و خشونت قرار بگیرند، چه به صورت خانگی، در خیابان، در محیط کار یا مدرسه، کمتر درباره آن حرف می‌زنند و حتی خود فرد اقدام به سانسور خودش می‌کند. فرهنگ غالبی که نسبت به پسرها و مردها وجود دارد، این است که پسر باید بلد باشد از خودش دفاع کند یا درخواست کمک کمتری داشته باشد و در این شرایط فرهنگی حتی اگر پسرها در مورد تعرض یا آسیب صحبت کنند هم اطرافیان سعی می‌کنند سریوشی روی آن بگذارند. متاسفانه در جامعه ما هنوز هم آمار خشونت‌هایی که نسبت به پسران زیر ۱۸ سال رخ می‌دهد بالاست، اما این اخبار کمتر خبری و مطرح می‌شوند و در برخی موارد هم اگر مطرح شوند به واسطه احساس شرم و کناهی که از سوی فرد یا خانواده وجود دارد و نبود حمایت‌های حقوقی و قانونی از فرد قربانی، کمتر به نتیجه می‌رسند.

در عین حال باید تأکید کرد که بخش زیادی از این مشکلات ناشی از عدم فرهنگ‌سازی یا فرهنگ‌های اشتباه در مورد پسران است که در مقابل آسیب‌ها باید سکوت کنند یا تصور بر این است که پسران آسیبی نمی‌بینند یا آسیب کمتری دارند. به عبارتی این دیدگاه که نباید درباره آسیب حرف بزنند، خودش نوعی خشونت است که فشارهای روحی و روانی سنگینی دارد. در بسیاری از موارد اگر پسران درباره این آسیب‌ها صحبت کنند، مورد غضب و طردشدن از سوی خانواده و دوستان یا جامعه اطرافشان قرار می‌گیرند و ترجیحا به صورتی این است که اعتبار و آبروبشان حفظ شود و شاید اصلا پیگیری‌های قانونی و حقوقی صورت نگیرد.

به‌طور مشخص در مورد کودکانی که دارای والد قانونی هستند اما به دلایل مختلف آسیبی از خانه و خانواده بیرون آمده‌اند، خلاهای قانونی زیادی وجود دارد و با توجه به افزایش درخور توجه تعداد این کودکان (دختر و پسر) باید قوانین حمایتی به‌خصوص در مورد پسران مورد بازنگری قرار گیرد. بسیاری از این کودکان در بیرون از خانه هم‌زمان امکان تأمین منابع مالی و کسب‌وکار را ندارند؛ حتی اگر پسر به سن بلوغ برسد حمایت‌های دولتی و ارگان‌های حمایتی مختلف قرار گیرند و در خانواده‌ها یا خانه‌های امن نگهداری شوند و باید تاکید کنیم که متاسفانه در حال حاضر برنامه و به‌طور مشخص سازمان بهزیستی در حوزه کودکان آسیب‌دیده از سوی والدین مسئولیت مستقیم دارد.

طبق پیمان‌نامه حقوق کودک، هر فرد کمتر از ۱۸ سال، به عنوان کودک معرفی می‌شود و باید مورد حمایت باشد. بر اساس همین قانون تعرض به هر کودک در هر شرایطی باید مورد اعتراض مراجع رسمی و قانونی قرار گیرد و در ایران سازمان بهزیستی موظف به پیگیری حقوق این کودکان است (دختر و پسر) و در حال حاضر در مواردی که کودکان در خانه و از سوی خانواده و هم‌محیط دیگری مورد تعرض و تهدید قرار گیرند، بایسد اورژانس اجتماعی ورود کرده و کودک به مراکز مشخصی فرستاده و نگهداری شود تا صلاحیت سرپرست قانونی مشخص شود. اما مسئله اینجاست که این مراکز معمولا برای زنان و دختران آسیب‌دیده در نظر گرفته شده‌اند و کمتر مرکز تخصصی حمایتی و اورژانس اجتماعی برای پسران و مردان وجود دارد.

در ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب سال ۹۹ تاکید شده که کودکان و نوجوانانی (دختران و پسران زیر ۱۸ سال) که در معرض هرگونه آسیب به سلامت جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، امنیتی یا آموزشی هستند، از نظر قانون‌گذار در وضعیت مخاطره‌آمیز قرار دارند و باید مورد حمایت قانونی قرار گیرند. در ماده ۴ همین قانون صراحتا قانون‌گذار تاکید کرده که دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان قوه قضائیه برای پیگیری قضائی از هر نوع بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان با احتمال خطر برای آنها یا جلوگیری از ورود آسیب، باید ورود فوری و مداخله داشته باشد.

در همین قانون در ماده جداگانه‌ای، اسامی ارگان‌ها و مراکزی که برای حمایت از این کودکان (شامل پسران هم می‌شود) معرفی شده‌اند، آمده و وظایفشان هم تعریف شده است. یکی از این ارگان‌ها نیروی انتظامی است که خوشبختانه «پلیس ویژه اطفال و نوجوانان» را اجرائی کرده و می‌تواند نسبت به شناسایی و پیگیری شرایط نوجوانانی که در وضعیت مخاطره‌آمیز و تهدید قرار دارند، اقدام کند و مددکارانی که در همین واحدها مستقر هستند باید فورا اقدامات قانونی را انجام دهند. در این بخش وظایف سازمان بهزیستی هم شرح داده شده و مددکاران بهزیستی باید در قالب فوریت‌های خدمات اجتماعی و یا همکاری شهرداری و نیروی انتظامی در جهت شناسایی، پذیرش و حمایت، نگهداری و توانمندسازی این کودکان (شامل پسران هم می‌شود) اقدام کنند. با این تعاریف می‌توان گفت در قوانین جدید نسبت به یک‌سری از این محدودیت‌های قانونی که برای پسران زیر ۱۸ سال وجود داشته، آیین‌نامه و الزاماتی در نظر گرفته شده و در حال اجراست و می‌تواند امیدوارکننده باشد.

در ماده ۳۵ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب سال ۹۹ تاکید شده که دادستانی می‌تواند با توجه به کمیت و کیفیت جرم، سوابق فرد و سلامت جسمی، روانی و اخلاقی اطفال و نوجوانان، به منظور رفع خطر و جلوگیری از بروز هر نوع آسیب و حمایت‌های لازم، با نظر مددکار بهزیستی و مددکار واحد حمایت دادگستری، حکم صادر کرده و آن نوجوان را از آن مکان تاامن به محیطی امن مثل بهزیستی و هر نقطه امن مورد نظر دیگر منتقل کند. در ماده ۳۴ نیز تاکید شده که مددکاران اجتماعی بهزیستی لازم است با همکاری واحد حمایت از کودکان و ضابطان دادگستری و نیروی انتظامی برای حمایت قانونی از این نوجوانان همکاری داشته باشند تا اگر خطر شدید و قریب‌الوقوعی طفل یا نوجوان را تهدید می‌کند، به فوریت گزارش دهند و بلافاصله در ۱۲ ساعت دادستان دستورات مورد نظر خود را اعلام کند. می‌توان گفت حمایت‌های قانونی در مورد این اطفال و کودکان به‌خصوص پسران وجود دارد اما باید دید چقدر از این ظرفیت‌های قانونی استفاده می‌شود و مراکز مرتبط و مکلف چقدر وظایف خود را اجرائی می‌کنند تا این کودکان در شرایط سخت و ناگوار باقی نمانند.

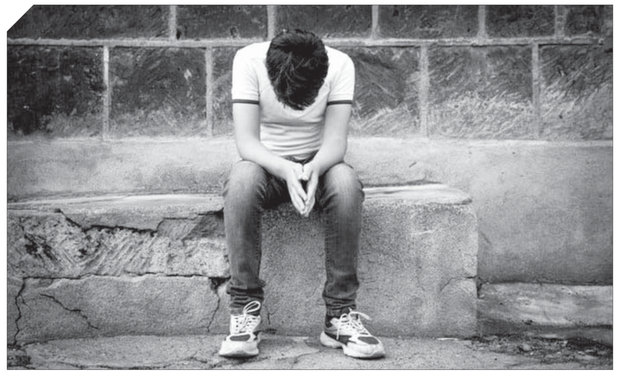

روایتی نزدیک‌تر از زندگی یک کودک طلاق و یک خلأ قانونی که سازمان بهزیستی با آن مواجه است

# «ولی» دارم ولی من را نمی‌خواهد

**معصومه اصغری: خانه، یعنی گوشه‌ای اس‌م که هر فردی در کنار اعضای خانواده خود در آن احساس عشق، محبت، آرامش و امنیت دارد و نیازهای مختلف روانی و عاطفی و خورد و خوراک و استراحت خود را تامین می‌کند. اما اگر همین فضا تبدیل به جایی شود که نه‌تنها این نیازها تامین نمی‌شود بلکه زمینه تهدید و آسیب را هم فراهم می‌کند. دیگر جای ماندن نیست؛ مخصوصا برای کودکان که هنوز بسیار آسیب‌پذیر هستند و برای ورود توقعاتی به جامعه آماده نیستند. کودکان زیادی هر روز از سوی پدر و مادر یا افراد نزدیک و همخون خود مورد تهدید و تجاوز قرار می‌گیرند و حتی ممکن است جانشان در خطر باشد و چه بسیار خبرهایی که هر روز از کشته‌شدن این کودکان می‌شنویم. در مقابل، تعداد زیادی از آنها به دلایل مختلفی از خانه و خانواده خود فرار می‌کنند و به خیابان پناه می‌آورند؛ در حالی که خیابان همان جایی است که می‌تواند تهدید اصلی برای آنها باشد. اگرچه دختران و پسران در مسئله آسیب نقاوتی دارند اما شرایط اجتماعی و عرفی و قوانین به نحوی هستند که به مسئله دختران متفاوت از پسران پرداخته می‌شود و این تفاوت هم قابل قبول و ارزشمند است اما نباید باعث شود توجه از آسیب پسران در سنین کمتر از ۱۸ و محدوده ۱۸سالگی پرداشته شود؛ چراکه این پسران همچنان در محدوده سن، کودک و نوجوان محسوب می‌شوند و در معرض آسیب‌های بسیار جامعه نمی‌توانند به تنهایی زندگی خودشان را اداره کنند.**

بر اساس قانون، سازمان بهزیستی به شرط نداشتن والد و ولی امین، از کودکان بی‌سرپرست یا بدسرپرست تنها تا ۱۸سالگی حفاظت و نگهداری می‌کند و این یکی از خلاهای مهم قانونی در مورد خدمات‌رسانی این مجموعه مهم است. بسیاری از این کودکان از این سن به بعد با مبلغ محدودی در جامعه رها می‌شوند و طن و تصور عمومی قانون‌گذار این بوده که کودک، دختر یا پسر، از این سن به بعد می‌توان کار کند و برای خود درآمد و سرپناه داشته باشد. اما آیا این عملکرد از کودکی ۱۸سالگی در جامعه امروز به ما برمی‌آید؟ حتی اگر آن کودک پسری ۱۸ساله هم باشد باز هم نمی‌توان انتظار داشت بتواند به تنهایی و در مدتی کوتاه مستقل شود و ممکن است در این مدت پایش به خیابان و انواع آسیب‌ها باز شود. شروین یکی از هزاران کودکی است که طلاق والدین او را وارد دنیای بیرحمی کرده است که همه تلاش‌ها و مقاومت‌هایش جوابگوی حجم عظیم این فشارها نمی‌شود. او از ۱۱سالگی تا امروز که به ۱۸سالگی رسیده روزهای سختی را در ارتباط با افرادی که می‌توانستند نزدیک‌ترین و عزیزترین افراد زندگی‌اش باشند دیده و پدر و مادرش در مهم‌ترین روزهای زندگی رهایش کرده‌اند. به بهانه روایت زندگی شروین به مسئله زندگی این کودکان و محدودیت‌های قانونی که وجود دارد پرداختیم که همین حالا کودکان زیادی با آن مواجه هستند.

## برف زیادی آمده بود و هیچ جایی نبود که بروم...

شروین می‌گوید: «تا سال ۹۰ که مادرم‌زن زنده بود خانواده هم دو هم جمع بودند و پدر و مادرم با هم خوب بودند اما بعد از رفتن او اختلافاتی به‌خصوص بین مادر و پسرم و بعضی از اقوام پیش آمد و پدر و مادرم به دنبال طلاق افتادند؛ اختلافات خانوادگی بین مادرم و خاله‌ام هم زیاد بود و افرادی از جمله شوهرخاله‌ام دخالت زیادی در زندگی ما داشتند. سر همین اختلافات خانوادگی و ارث و میراث خانوادگی، مادرم با من هم سر لج افتاد و دیگر من را به خانه‌اش راه نداد. چون فکر می‌کرد من با خانواده خاله‌ام در ارتباط هستم. از همان سنی که ۱۱سالم بود و پدر و مادر طلاق گرفتند، همزمان با درس، ورزش رزمی را کار می‌کردم و در المپیادها هم شرکت می‌کردم. اول با مادرم زندگی می‌کردم و پدرم پولی را برای مراقبت به مادرم می‌داد اما به دلیل اختلافات و حرف‌های دیگران مادرم من را از خانه بیرون انداخت. چون پدرم چند روز پول ماهانه را دیر داده بود و می‌گفت با چند روز شروع می‌شود و دیگر نمی‌دهد. از طرف دیگر پدرم دوباره با یک زن خارجی ازدواج کرده بود و او هم من را قبول نمی‌کرد. یادم نمی‌رود آن سال کلاس هشتم بودم و در کرج برف زیادی آمده بود و هیچ جایی نبود که بروم و هرجایی زنگ می‌زدم کسی جواب نمی‌داد. آخر یک آقای بنکاهی من را دید که توی خیابان هستم و توی بنکاه من را نگه داشت و به همه جا زنگ زد. اول کسی جواب نمی‌داد و دست آخر قرار شد خانه مادربزرگم بمانم. مادرم که دنبال بازگردن من از سر خودش بود، در دادگاهی در منطقه بوعلی کرج شکایت کرد تا من را واگذار کند. مادرم فکر می‌کرد من با خاله‌ام و خانواده او در ارتباط هستم و اطلاعاتش را به آنها می‌دهم یا دزدی می‌کنم و در کل توهم و بی‌اعتمادی داشت! دادگاه حکم داد که من پیش پدرم باشم درحالی که پدرم من را نمی‌خواست و می‌گفت مادرت رفته و من هم زن و زندگی خودم را دارم و به من ربطی ندارد. پدرم رئیس یکی از شعبه‌های بانک بود و ارتباطاتی داشت و می‌خواست من را در بهزیستی پذیرش کنند اما آنها می‌گفتند وقتی پدر و مادرش زنده و سالم هستند و وضع مالی خوبی دارند چطور بهزیستی این بچه را قبول کند؟ شش ماه پیش مادربزرگم بودم و بعد چون پدرم پول ماهانه را دیر می‌داد و اذیت می‌کرد و آنها واقعا پولی نداشتند که من را نگه دارند. رفتم کلانتری و شکایت کردم که پدرم باید من را نگه دارد! آنجا دیگر پدرم آمد و حدود یک سال را پیش آن خانواده بودم درحالی که اذیت‌های زیادی شدم. آن زمان من کلاس نهم بودم. همه کارهای خانه را زن‌پدرم به من می‌گفت و بچه کوچک آنها را باید نگه می‌داشتم و غذای درستی نمی‌خوردم درحالی‌که پدرم دائم سفرهای خارجی می‌رفت. همان سال با وجود همه این شرایط المپیاد خوارزمی رتبه آورده بودم و چون سمپاد بودم می‌توانستم رشته‌های ریاضی بروم ولی پدرم من را در یک هنرستان شبانه‌روزی در ملارد که خیلی حاشیه شهر بود ثبت‌نام کرد. آنجا خیلی نماندم و بعد از مدتی در یک خوابگاه در زورآباد کرج می‌ماندم و همزمان کار هم می‌کردم.

> آن زمان مربیگری mma رزمی را شروع کرده بودم و چون پدرم بابت هر چیزی اذیت می‌کرد، مجبور شدم مهر پزشک را برای رضایت جهل کنم تا کارم راه بیفتد و درنهایت مربیگری را گرفتم و کارم را شروع کردم اما از شانس همسان زمان کرونا آمد و باشگاه‌ها تعطیل شدند. کرونا که آمد چندین ماه عذاب کشیدم و مجبور بودم همزمان کار ویزیتوری در شهرهای صنعتی را انجام دهم، مدتی از صبح دری کافه باریستا بودم و شب هم دامپزشک کشیک بودم

آن زمان مربیگری mma رزمی را شروع کرده بودم و چون پدرم بابت هر چیزی اذیت می‌کرد، مجبور شدم مهر پزشک را برای رضایت جهل کنم تا کارم راه بیفتد و درنهایت مربیگری را گرفتم و کارم را شروع کردم اما از شانس همان زمان کرونا آمد و باشگاه‌ها تعطیل شدند. کرونا که آمد چندین ماه عذاب کشیدم و مجبور بودم همزمان کار ویزیتوری در شهرهای صنعتی را انجام دهم، مدتی از صبح دری کافه باریستا بودم و شب هم دامپزشک کشیک بودم. با قرص خودکشی کرده بود و امکان پذیرش در مرکز بازپروری هم برای ما وجود نداشت؛ چون برای پسرها طبق قانون پذیرش نداریم. گفته شد شروین خاله‌ای دارد که می‌تواند امین موقت باشد. به خانه او سر زده، خانه خاله در شهرک‌غرب بود و از نظر امکانات برای نگهداری مناسب بود و آنها هم قبول کردند تا زمان کنکور از شروین مراقبت کنند اما پس از مدتی شروین و پسرخاله سر موضوعات خانوادگی دوباره با هم بحث و دعوا داشتند و در نتیجه کار به اختلاف کشید و همان مبلغ محدودی که شروین داشت، خاله‌اش بابت همان مدت نگهداری برداشت و این بچه دوباره بی‌سرپناه شد. در این مدت هم با کمک تعدادی از خیرین و خود من یک ماه را در یک مسافرخانه مطمئن ماند و درحال‌حاضر هم در یک پانسیون است تا درس بخواند و کنکورش را بدهد و ما خیالمان راحت شود که این بچه به شرایط مناسبی برسد و تکلیف زندگی‌اش روشن شود.

خانم ناطق می‌گوید آنها به کمک خیرین و بسرون از چرخه قانونی و اداری، تنها برای اینکه این پسربچه در خیابان با انواع آسیب نماند، هزینه مادی و معنوی کرده‌اند و می‌افزاید: همین فردا اگر این کمک‌های مالی خیرین قطع شود، شروین با هر پسربچه دیگری کک خیابان است و معلوم نیست چه بلایی سرش می‌آید.

## آسیب‌های پنهان پسربچه‌ها دیده نمی‌شود

مددکار ۱۲۳ می‌گوید: شروین از ۱۶.۵۱۵سالگی پرونده‌اش در بهزیستی باز شده است که چطور این‌طور فکر شده که ۱۸ساله‌ها باید مستقل شوند؟ بچه‌ها ۱۸ساله آن‌هم کودکانی که با یک بحران خانوادگی مدت‌ها دست‌به‌گریبان بوده‌اند، چطور قرار است این‌گونه به زندگی ادامه دهند؟ توجه داشته باشید که اگر خیرین کمک نمی‌کردند، این کودک الان در خیابان و اسیر انواع آسیب بود. خانم ناطق می‌گوید: آیا درست است که این پسر یا هر کپس دیگری را که نخبه و المپیادی هم نباشد، رها کنیم و بگوییم خودت برو کلیمت را از آب بیرون بکش؟ و بعد بنشینیم و غرق‌شدنش را ببینیم؟ بسیاری از این کودکان و نوجوانان تا همین سن هم آسیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته و از انواع آسیب‌ها دور مانده‌اند و حالا نوجوانی است که کدام‌یک از قوانین درست و کامل اجرا می‌شود که برای این مورد قانون کامل اجرا شده و این بچه‌ها را هم می‌شوند؟ حتی اگر قانون هم درست است، باید این خلایی را که برای حمایت از این کودکان وجود دارد، پر کنیم تا در خیابان رها نشوند.

این مددکار فوریت‌های ۱۲۳ بهزیستی به مسئله طلاق و اثراتی که روی این کودکان دارد، اشاره کرد و گفت: سال‌هاست موضوع طلاق بین خانواده‌ها و زوج‌ها جا افتاده و عادی شده؛ اما مسئله کودکان طلاق و آسیب‌هایی که می‌بینند، دیده نشده و تکلیف فرزندانی که در این بین باقی می‌مانند، مشخص نیست. می‌توان گفت کودکانی که یتیم هستند و والدین‌شان فوت شده باشند، وضعیت بهتری نسبت به کودکان طلاق دارند. وضعیت روحی و عاطفی این کودکان بسیار ناگوار است و موارد زیادی از کپس‌های ما را همین کودکان تشکیل می‌دهند که دچار مشکلات زیاد رفتاری هستند.

ناطق افزود: مورد کودک‌آزاری و نوجوان‌آزاری از سوی والدین بسیار زیاد است. دختران زیادی هستند که از خانه فرار کرده‌اند و در بیرون از خانه هم آسیب‌های زیادی دیده‌اند و در نهایت در مراکز بهزیستی نگهداری می‌شوند؛ ولی درباره پسرها این مراکز محدود هم وجود ندارند. پدر و مادر و به‌خصوص مادر در شرایطی که کودک طلاق دارد. وضعیت روحی و عاطفی این کودکان بسیار به هر دلیلی قضایی امر برای زندگی ندارند، متفاوت است و این افراد باید در اولویت باشند و اولویت راه‌اندازی فضای امن برای این افراد همان امر پیشگیری است که حاصل طلاق و اختلافات خانوادگی هستند.

> از همان سال ۹۹ که خودکشی کردم. دیگر کامل بودم و راه‌های زیادی را برای کار و جایی برای ماندن امتحان کردم. مدتی را هم خاله‌ام کفت من را نگهداری می‌کند و من را به او تحویل دادند و می‌گفتند فقط برای دخترها جایی برای ماندن داریم. برای پسرها جایی نداریم. خاله‌ام به‌عنوان امین موقت مدتی من را نگه داشت و پولی را هم در آخر گرفت ولی آنجا هم نتوانستم بمانم

از اینجا به بعد داستان شروین را نکین ناطق، مددکار شروین در فوریت‌های ۱۲۳ سازمان بهزیستی تعریف می‌کند. او به «شرق» از پیگیری‌ها درباره این پسربچه از زمان خودکشی به بعد او می‌گوید: برای این پسربچه در ۸-۹ سال اخیر اتفاقاتی افتاده که خودش دخالتی در آنها نداشته و بر اثر طلاق والدین و اختلافات خانوادگی، زندگی این کودک باستعداد تهدید شده است. زمانی که مورد شروین به ما معرفی شد، با قرص خودکشی کرده بود و امکان پذیرش در مرکز بازپروری هم برای ما وجود نداشت؛ چون برای پسرها طبق قانون پذیرش نداریم. گفته شد شروین خاله‌ای دارد که می‌تواند امین موقت باشد. به خانه او سر زده، خانه خاله در شهرک‌غرب بود و از نظر امکانات برای نگهداری مناسب بود و آنها هم قبول کردند تا زمان کنکور از شروین مراقبت کنند اما پس از مدتی شروین و پسرخاله سر موضوعات خانوادگی دوباره با هم بحث و دعوا داشتند و در نتیجه کار به اختلاف کشید و همان مبلغ محدودی که شروین داشت، خاله‌اش بابت همان مدت نگهداری برداشت و این بچه دوباره بی‌سرپناه شد. در این مدت هم با کمک تعدادی از خیرین و خود من یک ماه را در یک مسافرخانه مطمئن ماند و درحال‌حاضر هم در یک پانسیون است تا درس بخواند و کنکورش را بدهد و ما خیالمان راحت شود که این بچه به شرایط مناسبی برسد و تکلیف زندگی‌اش روشن شود.

خانم ناطق می‌گوید آنها به کمک خیرین و بسرون از چرخه قانونی و اداری، تنها برای اینکه این پسربچه در خیابان با انواع آسیب نماند، هزینه مادی و معنوی کرده‌اند و می‌افزاید: همین فردا اگر این کمک‌های مالی خیرین قطع شود، شروین با هر پسربچه دیگری کک خیابان است و معلوم نیست چه بلایی سرش می‌آید.

## آسیب‌های پنهان پسربچه‌ها دیده نمی‌شود

مددکار ۱۲۳ می‌گوید: شروین از ۱۶.۵۱۵سالگی پرونده‌اش در بهزیستی باز شده است که چطور این‌طور فکر شده که ۱۸ساله‌ها باید مستقل شوند؟ بچه‌ها ۱۸ساله آن‌هم کودکانی که با یک بحران خانوادگی مدت‌ها دست‌به‌گریبان بوده‌اند، چطور قرار است این‌گونه به زندگی ادامه دهند؟ توجه داشته باشید که اگر خیرین کمک نمی‌کردند، این کودک الان در خیابان و اسیر انواع آسیب بود. خانم ناطق می‌گوید: آیا درست است که این پسر یا هر کپس دیگری را که نخبه و المپیادی هم نباشد، رها کنیم و بگوییم خودت برو کلیمت را از آب بیرون بکش؟ و بعد بنشینیم و غرق‌شدنش را ببینیم؟ بسیاری از این کودکان و نوجوانان تا همین سن هم آسیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته و از انواع آسیب‌ها دور مانده‌اند و حالا نوجوانی است که کدام‌یک از قوانین درست و کامل اجرا می‌شود که برای این مورد قانون کامل اجرا شده و این بچه‌ها را هم می‌شوند؟ حتی اگر قانون هم درست است، باید این خلایی را که برای حمایت از این کودکان وجود دارد، پر کنیم تا در خیابان رها نشوند. ناطق افزود: قانون ۱۸سالگی برای کشورهایی است که کودک را از ابتدا مستقل پرورش می‌دهند تا در ۱۸سالگی امکان زندگی جدا از والدین و شروع به کار و تحصیل را داشته باشد؛ اما همه می‌دانیم که اینجا این روند از بچگی وجود نداشته و ندارد و بچه ۱۸ساله در این شرایط اقتصادی امکان زندگی مستقل را ندارد. در این شرایط اقتصادی و بی‌آسیب که در یک کشور نیست و سازمان بهزیستی می‌تواند در ارتباط با این گروه‌های مردمی، موارد حمایتی خود را به این گروه‌ها و نهادهای مردمی ارجاع دهد.

بهرامی افزود: به نظر می‌رسد اگر دولت به سازمان‌های مردم‌نهاد بهای بیشتری دهد و آنها را به رسمیت بشناسد، توانمندی این سازمان‌ها برای حمایت از این اقشار به مراتب از دولت بالاتر است. اگر سنگ‌اندازی و تخریب نباشد، این ارگان‌های غیردولتی در میان همه خلاهای قانونی و محدودیت‌های اجتماعی، عملکرد خوبی در حمایت از این افراد دارند. بهترین گزینه این است که دولت در خلا حضور و عدم توانایی ورود خود، تسهیلگری را انجام دهد تا گروه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد خودشان وارد این فضا شوند یا در همکاری اشتراکی با هم از این اقشار در معرض آسیب کمک کنند. در عین حال خیرین زیادی هستند که از این سازمان‌های مردم‌نهاد و گروه‌های آسیب‌پذیر حمایت می‌کنند و باید از فرصت این حضور و همکاری به نفع اقشار آسیب‌دیده استفاده کرد.

مدیر مؤسسه کاهش آسیب «سیمای سبز رهایی» می‌گوید بهزیستی می‌تواند در نشستی مشترک با سازمان‌های غیردولتی، دستورالعملی را با توجه به محدودیت‌های قانونی و آیین‌نامه‌ای تدوین کند و مراکز و فضاهایی امن را برای این کودکان و به‌خصوص پسربچه‌ها داشته باشد تا این کودکان در زمان مناسبی وارد دانشگاه یا بازار کار شده و زندگی عادی و سالمی را شروع کنند.

# فرستادن کودکان آسیب‌دیده به جای اشتباهی

موضوع حمایت از کودکان بدسرپرست یا هر کودکی که دارای والد است اما امکان ادامه زندگی در کنار آنها را ندارد، همواره در میان کارشناسان حوزه آسیب‌های اجتماعی مطرح بوده است. خلاهای قانونی یا به‌روزنشدن آنها همراه و همسو با تغییرات اجتماعی بارها مورد تذکر و نیاز به اصلاح قرار گرفته‌اند اما اتفاقی رخ نداده و شاهد هستیم که جمعیت قابل توجهی از دختران و پسران در سنین کم و تا ۱۸سالگی با بحران‌های زیادی در خانواده و جامعه روبه‌رو هستند. به عبارتی این کودکان کانون امن زندگی خود و حلقه نزدیک‌ترین افراد زندگی خود را به دلیل آسیب‌های بسیار ترک می‌کنند و به دلیل عدم حمایت نهادهای حمایتی و دولتی، پایشان به خیابان باز می‌شود و دیگر این عرصه جایی است که کوچک و بزرگ نمی‌شناسد.

حبیب بهرامی، کارشناس آسیب‌های اجتماعی و مدیر مؤسسه کاهش آسیب «سیمای سبز رهایی» می‌گوید دولت‌ها وظیفه دارند فضایی را ایجاد کنند تا همه کودکانی که به دلایل مختلف آسیبی از خانه و خانواده بیرون آمده‌اند، جایی برای ماندن داشته باشند تا در معرض آسیب بیشتر قرار نگیرند و این مطمح نظر باشد که دختر یا پسر بودن کودک ندارد و هر دو در معرض آسیب‌های زیادی هستند.

او با اشاره به حمایت‌ها و اقدامات خوبی که دولت‌ها در این سال‌ها در راستای حمایت از افراد آسیب‌پذیر انجام داده‌اند، گفت: دولت‌ها به‌خصوص در حوزه حمایت از افراد درگیر اعتیاد اقدامات زیادی را انجام داده‌اند و خانه‌هایی را به عنوان مراکز توانمندسازی و جامعه‌پذیری معتادان بهبودیافته ایجاد کرده‌اند تا معتادان جایی برای ادامه زندگی داشته باشند. در شرایطی که برای گروه‌های آسیب‌دیده از اعتیاد حمایت مراکزی را ایجاد می‌کند، چرا نباید برای کودکان و نوجوانانی که در معرض انواع آسیب در خیابان و جامعه هستند، اقدام کند.

او با تاکید بر اینکه ایجاد چنین مراکزی برای کودکان راهشده از سوی والدین و در واقع همان پیشگیری از آسیب‌های بیشتر است، گفت: ما همواره با کودکان و پسربچه‌هایی روبه‌رو هستیم که در معرض انواع آسیب هستند و در حالی که والدینشان زنده و سالم هستند اما حامی و خانواده همراهی ندارند و در چنین شرایطی نجات این کودکان اولویت بیشتری دارد.

بهرامی افزود: در حال حاضر گروه‌های آسیب‌دیده زیادی را با شرایط متفاوت در کشور داریم که از شرایط بی‌خانمانی و آسیب‌های ناشی از آن رنج می‌برند؛ از ترنس‌ها که به دلیل فرهنگ و فشار خانواده خانه را ترک می‌کنند تا کودکانی که حاصل طلاق و اختلافات خانوادگی هستند. تمام گروه‌های خاص و آسیب‌پذیر حق دارند مورد حمایت باشند و سرپناهی برای خود داشته باشند. اما موضوع افراد سالم و کودکان و نوجوانان سالمی که به هر دلیلی فضایی امن برای زندگی ندارند، متفاوت است و این افراد باید در اولویت باشند و اولویت راه‌اندازی فضای امن برای این افراد همان امر پیشگیری است که حاصل طلاق و اختلافات خانوادگی هستند.

ناطق افزود: مورد کودک‌آزاری و نوجوان‌آزاری از سوی والدین بسیار زیاد است. دختران زیادی هستند که از خانه فرار کرده‌اند و در بیرون از خانه هم آسیب‌های زیادی دیده‌اند و در نهایت در مراکز بهزیستی نگهداری می‌شوند؛ ولی درباره پسرها این مراکز محدود هم وجود ندارند. پدر و مادر و به‌خصوص مادر در شرایطی که کودک طلاق دارد. وضعیت روحی و عاطفی این کودکان بسیار ناگوار است و موارد زیادی از کپس‌های ما را همین کودکان تشکیل می‌دهند که دچار مشکلات زیاد رفتاری هستند.

ناطق افزود: مورد کودک‌آزاری و نوجوان‌آزاری از سوی والدین بسیار زیاد است. دختران زیادی هستند که از خانه فرار کرده‌اند و در بیرون از خانه هم آسیب‌های زیادی دیده‌اند و در نهایت در مراکز بهزیستی نگهداری می‌شوند؛ ولی درباره پسرها این مراکز محدود هم وجود ندارند. پدر و مادر و به‌خصوص مادر در شرایطی که کودک طلاق دارد. وضعیت روحی و عاطفی این کودکان بسیار ناگوار است و موارد زیادی از کپس‌های ما را همین کودکان تشکیل می‌دهند که به هر دلیلی فضایی امن برای زندگی ندارند، متفاوت است و این افراد باید در اولویت باشند و اولویت راه‌اندازی فضای امن برای این افراد همان امر پیشگیری است که حاصل طلاق و اختلافات خانوادگی هستند. تمام گروه‌های خاص و آسیب‌پذیر حق دارند مورد حمایت باشند و سرپناهی برای خود داشته باشند. اما موضوع افراد سالم و کودکان و نوجوانان سالمی که به هر دلیلی فضایی امن برای زندگی ندارند، متفاوت است و این افراد باید در اولویت باشند و اولویت راه‌اندازی فضای امن برای این افراد همان امر پیشگیری است که حاصل طلاق و اختلافات خانوادگی هستند. کفت: ما همواره با کودکان و پسربچه‌هایی روبه‌رو هستیم که در معرض انواع آسیب هستند و در حالی که والدینشان زنده و سالم هستند اما حامی و خانواده همراهی ندارند و در چنین شرایطی نجات این کودکان اولویت بیشتری دارد.

بهرامی افزود: در حال حاضر گروه‌های آسیب‌دیده زیادی را با شرایط متفاوت در کشور داریم که از شرایط بی‌خانمانی و آسیب‌های ناشی از آن رنج می‌برند؛ از ترنس‌ها که به دلیل فرهنگ و فشار خانواده خانه را ترک می‌کنند تا کودکانی که حاصل طلاق و اختلافات خانوادگی هستند. تمام گروه‌های خاص و آسیب‌پذیر حق دارند مورد حمایت باشند و سرپناهی برای خود داشته باشند. اما موضوع افراد سالم و کودکان و نوجوانان سالمی که به هر دلیلی فضایی امن برای زندگی ندارند، متفاوت است و این افراد باید در اولویت باشند و اولویت راه‌اندازی فضای امن برای این افراد همان امر پیشگیری است که حاصل طلاق و اختلافات خانوادگی هستند.

پذیرش و امنیت این کودکان و نوجوانان در معرض آسیب را فراهم نکنیم، باید هزینه‌های هنگفتی را برای درمان مسائل متعددی که آنها را تهدید می‌کند، بپردازیم.

این کارشناس آسیب‌های اجتماعی با بیان اینکه سازمان بهزیستی فضایی برای اسکان امن کودکان پسر ۱۸ساله که آسیب‌های مختلفی دارند، ندارد و مجبور می‌شود موارد آسیب‌خورده را به مراکزی که در حوزه‌های دیگر فعال است ارجاع دهد، گفت: مثلا مورد ترنس را به پناهگاه شبانه منتقل کرده‌اند و همه ما می‌دانیم که کپس ترنس در هر دو سرپناه زنان و مردان می‌تواند تهدید باشد و همزمان مورد آسیب هم قرار بگیرد و اساسا انتقال این افراد به چنین فضایی اشتباه است. حالا در نظر بگیرید پسربچه‌ای که فاقد هر نوع آسیب است و در عین حال قابلیت و استعدادهایی هم دارد اگر به چنین مراکزی که برای آسیب‌های مشخصی فعال هستند ارجاع شود، زمینه آسیب بیشتر را فراهم می‌کند. در واقع عادی‌ترین و دردسرترین آسیب مسری در چنین فضاهایی اعتیاد است که می‌تواند به راحتی گریبانگیر این کودکان شود.

بهرامی افزود: برخی از گروه‌های مردمی و ان‌جی‌اوهای فعال همچون طلوع بی‌نام‌ونشان‌ها چنین آسیبی را شناسایی کرده و فضاهایی را برای نگهداری این کودکان و پسربچه‌های بلاتکلیف در این سن ایجاد کرده‌اند اما قابل تعمیم به کل کشور نیست و سازمان بهزیستی می‌تواند در ارتباط با این گروه‌های مردمی، موارد حمایتی خود را به این گروه‌ها و نهادهای مردمی ارجاع دهد.

بهرامی افزود: به نظر می‌رسد اگر دولت به سازمان‌های مردم‌نهاد بهای بیشتری دهد و آنها را به رسمیت بشناسد، توانمندی این سازمان‌ها برای حمایت از این اقشار به مراتب از دولت بالاتر است. اگر سنگ‌اندازی و تخریب نباشد، این ارگان‌های غیردولتی در میان همه خلاهای قانونی و محدودیت‌های اجتماعی، عملکرد خوبی در حمایت از این افراد دارند. بهترین گزینه این است که دولت در خلا حضور و عدم توانایی ورود خود، تسهیلگری را انجام دهد تا گروه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد خودشان وارد این فضا شوند یا در همکاری اشتراکی با هم از این اقشار در معرض آسیب کمک کنند. در عین حال خیرین زیادی هستند که از این سازمان‌های مرد